

مقدمه

سخن از گاه مشروطیت و اندیشه‌ورزی در آن دایره زمانی است. هنگامه‌ای که در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرن اخیر تا امروز، منشأ تأثیرات بسیار بوده است. در این میان، مردانی بودند که اندیشه‌های متقن، آنها را جاودانه ساخت. آنهایی که بانی حکمت و درایت صالح و حامی سیاست و کیاست جامع در چارچوب حقیقت و عدالت بودند و این مرز پرگهر را در برابر افکار سقیم و رفتار شنیع دشمنان بخرد و دوستان ناخرد، همچون تن و جانشان، سپر بلا شدند. سخن از برهه‌ای است که ننگ استبداد و سیاهی بیداد، خشونت استثمار و هزار رنگی استعمار، باعث درخشش ستاره‌هایی از تفکر و درایت پارسیان شد و زمانه‌ای هر چند زودگذر به نام مشروطیت را در تقویم پرحادثه و واقعه این دیار، رقم زد.

اندیشیدن و اشاعه فکر در مقطعی که افکار صحیح و سقیم، آگاهانه و ناآگاهانه، مسیری غیر از حقیقت را می‌پیمایند، کاری بس سخت و دشوار است. به هرحال این مقال، مجال گفتن از مشروطه نیست، بلکه در مورد یکی از رجال و اندیشمندان آن دوره یعنی مرحوم شیخ احمد شاهرودی سطرهایی را به نگارش در می‌آورم.

در این نوشتار، ضمن معرفی اثر ماندگار وی «مدنیة الاسلام، روح التمدن» گذری بر احوالات وی و خاندانش داشته، گامی در بازخوانی اندیشه‌های یکی از مشاهیر مشروطه برمی‌داریم.

## معرفی و بررسی کتاب

# «مدنیة الاسلام» روح التمدن»

## و گذری بر احوالات مولف آن

شیخ احمد شاهرودی (۱۳۵۰-۱۲۸۱ هـ.ق)

محمد نخی دانش آموخته رشته تاریخ اسلام ورودی ۷۷،  
کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران

## حیات اجتماعی شیخ احمد و خاندان وی

شیخ احمد فرزند شیخ ملامحمدعلی شاهرودی (۱۳۵۰-۱۲۸۱ ق) نام کامل ایشان احمد بن محمدعلی بن محمدکاظم بن الله وردی خراسانی است؛<sup>۱</sup>

وی عالم دینی و فقیه بزرگ قرن چهاردهم هجری است که خراسانی الاصل می‌باشد. پدر وی مرحوم ملامحمدعلی شاهرودی (م ۱۲۹۳ ق) از جمله شاگردان سیدابراهیم قزوینی، صاحب ضوابط بود. شیخ احمد در دامان پدر بزرگوار خویش، پرورش یافت. وی مقدمات را در شاهرود گذراند و برای تکمیل تحصیلات خود به همراه برادرش آقاشیخ حسن زاهد به مشهد مقدس رهسپار گردید و پس از بهره‌گیری از استادان آن دیار در سال ۱۳۴۶ ق به عتبات عالیات رفته و پس از حضور در محضر درس و بحث حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند ملاکاظم خراسانی به وطن بازگشت و به انجام وظایف و خدمات دینی در شهر شاهرود مشغول گشت و مرجع خاص و عام شد.<sup>۲</sup> البته

استاد محمدهادی امینی می‌گوید که مرحوم شیخ احمد پس از اتمام تحصیل در نجف و رسیدن به مراتب فضل و کمال به ایران برگشت و در قم ساکن گردید و به تدریس و تألیف در اصول و فقه پرداخت.<sup>۳</sup>

مرحوم شیخ احمد معاصر مرحوم آقابزرگ طهرانی می‌باشد.<sup>۴</sup> آنچه که از تاریخ برمی‌آید این است که وی در دل مردم نفوذ داشت و از جایگاه والایی برخوردار بود. رئیس عدلیه وقت به تهران گزارش می‌دهد که با وجود ایشان باید در عدلیه را بست زیرا همه مردم متوجه ایشان هستند.<sup>۵</sup> بیت ایشان ملجأ و مأوای بی‌پناهان و مظلومان بود.<sup>۶</sup>

در سال ۱۲۹۶ شمسی به همت شیخ احمد و همیاری مردم، مدرسه‌ای به نام مدرسه سعادت احمدی با ۶ کلاس در شاهرود تأسیس شد.<sup>۷</sup>

## فعالیت‌های سیاسی

در ماجرای تحصن علمای اصفهان و تهران در قم در زمان رضاخان در اعتراض به برخی اعمال حکومت، حضرات آیات نائینی و اصفهانی با دریافت تلگراف علمای متحصن در قم به حمایت از آنها برخاسته و تصمیم گرفتند که نظرات و پیشنهادات خود را در این خصوص به گوش رضاخان برسانند، به همین جهت آیت‌الله حاج‌آقا حسین بروجردی و مرحوم شیخ احمد شاهرودی را به نمایندگی از طرف خود انتخاب نمودند تا ضمن حرکت به سوی ایران و ملاقات با علمای قم و دادن دستورالعمل‌های لازم به آنها به تهران





رفته و خواسته‌های علما و مهاجرین قم را به مقامات حکومتی منعکس نمایند.<sup>۸</sup>

در نامه محمدحسن ارفع سرکنسول ایران در بغداد آمده که مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه: در تعقیب تلگراف نمره ۲۴۴۴ و راپرت مورخه ۱۲ ماه جاری ۱۳۰۶ ش نمره ۲۴۴۲ برای مزید اطلاع آن مقام منبع معروض می‌دارد که آقا شیخ احمد شاهرودی و حاجی آقاسین بروجردی، با بعضی نوشتجات و احکام از طرف آیتین آقای سیدابوالحسن اصفهانی و آقامیرزا حسین نائینی، قصد مسافرت به ایران دارند.<sup>۹</sup>

نام شیخ احمد شاهرودی جزء لیست بیست نفره مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی، مرحوم نائینی و مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به مجلس شورای ملی جهت انتخاب پنج نفر مجتهد ناظر بر مصوبات مجلس می‌باشد که سند آن در ادامه می‌آید.

سال وفات وی را ۱۳۴۹ قمری یا ۱۳۵۰ قمری گفته‌اند.

### آثار علمی و تألیفات شیخ احمد شاهرودی

ایشان آثار ارزشمندی را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و عرفانی به رشته تحریر درآوردند که در این قسمت به معرفی مختصر آنها می‌پردازم؛ (۱) حق المبین؛ این کتاب در ردّ بابت و عقاید منحرف آنهاست.<sup>۱۲</sup> از آنجایی که ایشان و همچنین پدر و جد ایشان از نزدیک با این فرقه ضاله، برخورد داشتند، توانسته اثری خوب در این زمینه برجای بگذارد.

(۲) إزالة الأوهام فی الرد علی ینابیع الاسلام؛<sup>۱۳</sup> هنگامی که یکی از اندیشمندان مسیحی به نام عبدالمسیح، کتابی به نام «ینابیع الاسلام» یعنی سرچشمه‌های اسلام را نوشت و به گمان خود ثابت کرد که اسلام، سرچشمه وحیانی ندارد و احکام انسان‌ساز و هدایتگر آن را، به استهزاء گرفت، کتاب إزالة الأوهام شیخ، کارآمد جلوه‌گر شد و موهومات آن مسیحی معاند اسلام، جواب داده شد.

(۳) راهنمای دین؛<sup>۱۴</sup> این اثر، تفسیری است بر کلام الهی که البته ناتمام مانده است و رد و جوابی است بر برخی کلمات شیخ طنطاوی.

(۴) مدنیة الاسلام، روح التمدن؛<sup>۱۵</sup> توضیحات مفصل در مورد این کتاب، در ادامه خواهد آمد.

(۵) مرآة العارفین؛<sup>۱۶</sup> ظاهراً این مجموعه، پاسخ و ردّی است بر شبهات و ایرادات از طرف گروه‌های باطل و

انحرافی بر مبانی اسلام.

(۶) ایقاظ النائین.<sup>۱۷</sup>

(۷) تنبیه الغافلین.<sup>۱۸</sup>

### گزارشی از کتاب «مدنیة الاسلام، روح التمدن»

این اثر ارزشمند از یک مقدمه و چهار گفتار یا چهار فصل تشکیل یافته است. ما در هر مقاله توضیح و تبیین یکی از مسائل مهم دینی و سیاسی را می‌یابیم. شاید بتوان از نام این کتاب دریافت که تمدن واقعی و حقیقی که منتهی به سعادت دنیا و آخرت انسان است در نظر نویسنده، راهی جز تمدن و فرهنگ اسلامی نیست. آنچه که روی جلد کتاب نوشته شده، این است که این کتاب، یگانه کتابی





در مقاله نخست، ما به سه نکته اساسی می‌رسیم که عبارتند از تبیین اصل ازدواج در جامعه، تعدد زوجات و مسئله حقوق زن و دیدگاه اسلام.

در مقاله دوم با توجه به اینکه دوره حکومتی رضاخان است و کم‌کم زمزمه‌های کشف حجاب به گوش می‌رسد، مسئله ستر و پوشش (حجاب) و فلسفه تشریح آن تبیین می‌شود. چون که یکی از شبهات مطرح در جامعه این بود که پوشش و حجاب مانع مهمی برای آزادی زن می‌باشد که نویسنده پاسخهای خود را بیان می‌دارد. در این فصل همچنین مسئله قصاص بیان می‌شود که از سوی برخی مخالفان مورد استهزاء و تمسخر قرار گرفته بود و خلاف سیاست و حکمت قلمداد شده بود.<sup>۱۹</sup>

اما مقاله سوم در مورد تبیین مدینه فاضله از نظر اسلام می‌باشد که نویسنده اتحاد اهل آن شهر و دوری از تفرقه و جدایی را از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن برمی‌شمرد. مرحوم شیخ احمد شاهرودی در این بخش حکومتهای دموکراسی و جمهوری که سوغات غربند و شخصیت‌هایی مانند رضاخان پهلوی از آن دم می‌زنند را ضدیت با اسلام می‌داند. همچنین وی در این بخش مطالبی همچون تأکید اسلام بر علم‌آموزی، نهی از تقلید کورکورانه و دیدگاه مؤلف درباره علوم جدید را بیان می‌دارد و شبیه منافات داشتن علم و دین را پاسخ می‌دهد. ایشان در پایان این مقاله چهار رکن تمدن اسلامی را علم، عمل، اخلاق و حسن معاشرت می‌داند.

ایشان در ادامه علل عقب‌ماندگی جوامع مسلمان را چندعامل زیر بیان می‌نماید:

- (الف) ضعف مسلمین در دفاع از حقوق خود
- (ب) عدم عمل به شریعت

است که در سیاست اسلامی و توافق آن با روح تمدن تألیف شده است.



امام رضا علیه السلام که جهت ترویج معارف دینی تأکید بر علم و عمل بود



ج) عقب‌ماندگی نظامی

د) عقب‌ماندگی صنعتی

ه) توسعه هزینه‌های غیرمعقول اقتصادی

اما نویسنده در آخرین فصل کتاب یعنی مقاله چهارم به ترسیم نظام سیاسی اسلام می‌پردازد و چهار عنصر قانون مبتنی بر قرآن و سنت، جهاد، قضاوت و حل‌وفصل دعاوی و اجرای حدود الهی را ارکان اساسی نظام اسلامی برمی‌شمرد.

اگر از یک نگاه ژرف‌نگرانه به این مجموعه بنگریم، یک

مطلب اساسی را در آن می‌یابیم و آن شناخت و معرفت نویسنده نسبت به قضایای جامعه اطراف خود می‌باشد که با استدلال و منطق به پاسخ‌گویی شبهات مطرح شده از سوی مخالفین می‌پردازد. وی حرفهای مخالفین و معاندین را می‌شنود، آنگاه با بیانی متین و قلمی وزین به شبهه‌ها و اشکالها جواب می‌دهد.<sup>۲۰</sup>

#### پی‌نوشتها (Endnotes)

#### فهرست منابع و مآخذ

- محمدهادی امینی، معجم رجال‌الفکر والادب فی‌النجف، ج ۲، بی‌جا، ۱۴۱۳، ص ۷۰۳ و حامد علی‌الحسینی، فهارس اعیان‌الشیعه، ج ۳، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۶.
- اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگ ایران)، ج ۳، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۱۲ و محمدشرف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۵، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۲ش، صص ۳۵۴-۳۵۸.
- محمدهادی امینی، معجم رجال‌الفکر والادب فی‌النجف، ج ۲، ص ۷۰۳.
- همان، ج ۲۰، ص ۲۵۰.
- حسن حاجی‌حسینی، بررسی یک کتاب ناشناخته عصر مشروطیت، مجله آموزه، شماره ۱، ۱۳۸۱ش، ص ۱۱۲.
- همان، ص ۱۱۲.
- جعفر رعایتی، دیار ابرار، ص ۴۵.
- علی‌دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۲، تهران، انتشارات مرکز اسناد، ۱۳۷۹ش، ص ۱۱۷.
- همان، ص ۱۱۸.
- محمدهادی امینی، معجم رجال‌الفکر والادب فی‌النجف، ج ۲، ص ۷۰۳ و آقابزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۵۲۹.
- اثر آفرینان، ج ۳، ص ۳۱۲.
- آقابزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۷، ص ۳۷.
- همان، ج ۱، ص ۵۲۸.
- اثر آفرینان، ج ۳، ص ۳۱۲.
- آقابزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۵۰.
- محمدهادی امینی، معجم رجال‌الفکر والادب فی‌النجف، ج ۲، ص ۷۰۳.
- اثر آفرینان، ج ۳، ص ۳۱۲.
- معجم رجال‌الفکر و...، ج ۲، ص ۷۰۳.
- حسن حاجی‌حسینی، بررسی یک کتاب ناشناخته عصر مشروطیت، آموزه، شماره ۱، ۱۳۸۱ش، ص ۱۱۵.
- شیخ احمد شاهرودی، مدنیه‌الاسلام، روح‌التمدن، نجف اشرف، مطبعه مبارکه علویه، ۱۳۴۶ق.

